

طعنه تند وینیسئوس و جونپور به لامین یامال در جریان درگیری های ال کلاسیکو، فاش شد..

یامال در ال کلاسیکو تاثیر زیادی نداشت و اگرچه دو شوت زد و دو موقعیت گل ساخت اما در بیشتر دقایق زیر فشار خط دفاعی مادرید قرار گرفت.

در جریان بازی، وینیسئوس و دیگر بازیکن رئال که از اظهارنظرهای پیش از بازی یامال ناراحت بودند، از فرصت استفاده کردند تا پاسخ او را بدهند. وینیسئوس در جریان درگیری لفظی با یامال به او گفته بود: «هیچ کاری جز پاس به عقب نمی‌کنی، نه؟ فقط داری توپ را به مدافعان برمی‌گردانی.» کارواخال نیز در پایان بازی در دایره میانی زمین با یامال مشاجره کرد و گفته شده که به یامال گفته: «خیلی حرف می‌زنی، حالا حرف بزن.» یامال نیز تلاش کرد پاسخ او را بدهد اما توسط هم‌تیمی هایش از صحنه دور شد.

شکست یوونتوس مقابل لاتزیو برای ایگور تودور گران تمام شد؛ زیرا هشت بازی متوالی بدون برد و چهار بازی متوالی بدون گل زده باعث شد مدیریت یوونتوس تصمیم به تغییر سرمربی بگیرد.

به گزارش جانلوکا دی مارتیو، مدیر باشگاه یوونتوس پس از کسب نتایج ضعیف در هفته‌های اخیر تصمیم به اخراج ایگور تودور، سرمربی ۴۷ ساله خود گرفته و به زودی این موضوع رسماً اعلام خواهد شد. قرار است ماسیمو برامبیل، سرمربی تیم یوونتوس نکس جن در سری سی (سطح سوم فوتبال ایتالیا) به‌صورت موقت جانشین تودور روی نیمکت پیوه شود. ایگور تودور که ماه مارس ۲۰۲۵ به‌صورت موقت هدایت یوونتوس را به‌دست گرفت، توانست سهمیه لیگ قهرمانان اروپا برای یانگ‌بورن به دست آورد و قراردادی را در تابستان تا سال ۲۰۲۷ تمدید کند. تودور که تا پایان قراردادش دستمزد ناخالصی ۸ میلیون یورویی می‌گیرد، در ۲۴ بازی روی نیمکت یوونتوس آمار نسبتاً ضعیفی ۱۰، ۸، تساو و ۶ باخت به‌همراه میانگین امتیازی ۱/۵۸ را ثبت کرد.

با اعلام علی تاجرنا، وریا غفوری به کادرفنی استقلال اضافه شد.

طی سال‌های گذشته بارها بحث آمدن وریا به تیمک استقلال در رسانه‌ها مطرح بود که هیچ‌گاه عملی نشد. اما حالا با اعلام تاجرنا، این پیشکسوت آبی‌هادرستیار ریکاردو سالیونتودور فصل جاری خواهد بود. وریا غفوری سابقه کاپیتانی استقلال را دارد و مجموعه ۱۸۵ بازی برای آبی‌هانجام داده که حاصل آن ۲۶ گل و ۴۶ پاس کل بوده است.

کاپیتان اسبق استقلال خرداد ۱۳۹۲ از فوتبال خداحافظی کرد.

A close-up portrait of a man with a dark beard and short hair, looking slightly to the right. He is wearing a blue football jersey with the Italian national team crest and the Italian flag on the chest. The background is blurred, suggesting a stadium setting.

روزبه چشمی که در جریان دیدار با چادرملو از ناحیه مج با دچا آسیب دیدگی شده بود با وجود تلاش پزشکان برای همراهی استقلال در دیدار با فجر، نهایتاً تاییدیه لازم را نگرفت و از این سفر بازماند. کاپیتان استقلال برای روز جمعه مقابل آلومینیوم مشکلی ندارد و می‌تواند تیمش را همراهی کند. البته با توجه به درخشش بازیکنان جایگزین باید دید ساینیتو به او بازی می‌دهد یا نه.

گفت وگو با افسانه حسامی فرد، اولین کوهنورد زن ایرانی در باشگاه ۸ هزاری های جهان

رویای صعود به قله های تسخیر ناپذیر

«وقت آن رسیده که صدای زنان کوهنورد کشورم و الهام بخش نسل جوان باشم. در بسیاری از صعودها یاد و خاطره زنانی از ایران همراهم بود که با وجود شرایطی خاص، با حداکثر توان شان مسیرهای مختلف زندگی را طی کردند و به قله های شان رسیدند؛ زنانی که همیشه شایسته تقدیرند.» اینها را دکتر

افسانه حسامی فرد به جام جم می گوید: زنی که در مدت کمتر از پنج سال، از اورست تا چوئو، ۱۴ اقله بلندتر از ۸ هزار متری جهان را به زیر پا کشید تا برای نخستین بار در تاریخ نام زن ایرانی را وارد «باشگاه ۸ هزاری ها» کند. در این روایت، با افسانه از صلح و جایزه آن و فصل جدید زندگی اش گفت وگو کردد ایم.

رسیدن به همین هدف است. در فضای مجازی هم بازخوردها، گواه همین بود.

۴ نسبت به این که دختران جوان از شما الهام می گیرند چه حسی دارید؟

وقتی از بازخوردها و نظرات مختلف متوجه می شوم جوانان به ویژه دختران از من الهام می گیرند احساس مسئولیت بیشتری دارم. احساس می کنم حالا وقت آن رسیده که صدای زنان کوهنورد کشورم باشم، به آنها امید بدهم و الهام بخش نسل جوان باشم. بسیاری از اوقات در طول سفرها و صعودهایی که داشتم یاد و خاطره زنانی در ذهنم بود که با وجود شرایط خاصی که داشته اند، با حداکثر توان مسیرهای مختلف زندگی شان را طی کرده اند و به قله هایی که برای شان هدف بوده رسیده اند؛ زنانی که همیشه قابل تقدیرند.

۴ حالا بعد از تکمیل این پروژه، قله پانزدهم افسانه حسامی فرد کجاست؟

تکمیل این پروژه یک نقطه عطف بود. نقطه پایان نبود. شروع درواغ فصل دیگری از فعالیت های من خواهد بود. درواقع قله بعدی یا به قول شما پانزدهم، انتقال تجربه های من است. به پروژه های مختلفی فکر می کنم. مثلا صعود به قله های بلند تمام قاره ها. البته برای من کمی چالش برانگیز است. چون گرفتن ویرا و رفتن به آمریکا برای صعود قله دنالی بلندترین قله آمریکا بسیار کار سختی است و نمی دانم به سرانجام برسد یا نه اما آنچه در ذهنم اولویت دارد، اشتراک آنچه به دست آورده ام با نسل بعدی و دختران است. این قدرت زنانه و تجربه های می بایست ریشه دار باشند و به بقیه منتقل شوند. شاید مسیر بعدی از سنگ ها و قله های برفی نمی گذرد. مسیری است از جنس ساختن و الهام بخشی.

تومی توانی شرایط سخت را تحمل کنی و به هدفت برسی.

۴ به نظر شما صعود به بلندترین قله های جهان مبارزه با طبیعت است یا گفت وگو با خود؟

من با چند اصطلاح در کوهنوردی مخالفم. خیلی ها می گویند کوهنوردی مبارزه است اما من معتقدم برای مبارزه به کوه نمی رویم بلکه برای صلح و آرامش به کوه می رویم و سرنگیند با طبیعت را نداریم. با اصطلاح فتح کردن کوه هم مخالفم. چون با رفتی دارد. ما به کوه صعود می کنیم و با احترام بر آن قدم می گذاریم. کوهنوردی صلحی عمیق با خود، طبیعت و خداست.

۴ به نظر شما قهرمانی صرفا ایستادن بر فراز قله است یا فرود سالم؟

متأسفانه این تصور که به هر بهایی می بایست صعود کنیم در بسیاری از موارد، آسیب های جبران ناپذیری برای فرد و جامعه کوهنوردی به دنبال داشته است. صعود بدون فرود سالم، اصلا پیروزی به حساب نمی آید و همان طور که اشاره کردید، قهرمان فردی است که حتی از نیمه راه سالم و زنده باگردد. در طول این سفرها دو صعود ناموفق هم داشتم. ام آن دو صعود برایم درس و تجربه ای بود که صعودهای بعدی را با ضرب موفقیت بالاتری انجام دهم. توانایی تصمیم منطقی و درست در زمان صحیح برای بازگشت ایمن هم، یک موفقیت است.

۴ امسال جایزه «صلح و ورزش ایران» به شما اهدا شد. نظرات در مورد این جایزه چیست؟

وقتی برای صعود آخرم در کمپ اصلی چوایو بودم متوجه شدم، جایزه صلح و ورزش امسال از سوی کمیته ملی المپیک، به من تعلق گرفته. خیلی برایم ارزشمند بود و پیش از صعود، حس و حال خوبی به من داد. به نظرم صلح یک هماهنگی بین درون و بیرون انسان است. صلح برای یک کوهنورد تطبیقی است که با طبیعت پیدا می کند. من این جایزه را تنها متعلق به خود نمی دانم. این جایزه بلکه برای همه افرادی است که باور دارند ورزش راهی برای ایجاد و تقویت احترام و دوستی میان انسان هاست. ورزش همه جا میان همه ملت ها یک مسیر ارتباطی بدون کلام است. بدون این که حرفی بزنیم، از طریق ورزش می توانیم احساسات و پیام های ارزشمندی را منتقل کنیم.

۴ آیا فکری می کنید مسیرتان بر تصویر زن ایرانی در جامعه بین المللی کوهنوردی تأثیری داشته است؟

در این سال ها با کوهنوردان مختلفی از ملیت های متفاوت در بیس کمپ ها و مسیرها همراه و هم صحبت شده ام. وقتی متوجه می شدند یک زن ایرانی مشغول اجرای پروژه باشگاه ۸ هزاری ها هستم، نگاه متفاوتی داشتند. تصور آنها از ایران، کشوری با محدودیت های بسیار برای زنان است. همین باعث می شد با نگرشی سرشار از احترام برخورد کنند. باور دارم زنان ایرانی می توانند تصویری متفاوت از قدرت خود را به نمایش بگذارند و من هم تلاشم برای

۴ از این که نام شما به عنوان نخستین زن ایرانی در «باشگاه ۸ هزاری ها» ثبت شد، چه احساسی دارید؟

شادی عمیقی در قلبم احساس می کنم و احساس آرامش و شکرگزاری دارم از این که کارم را به نتیجه رسانده ام. البته مسئولیت سنگینی را بر دوش خودم حس می کنم. چون به جایی رسیده ام که نقطه پایان نیست. فصل تازه ای در زندگی من آغاز شده.

۴ مسیرتان به طور خلاصه از کجا آغاز شد؟

مسیر کوهنوردی من حدودا از سال های ۱۳۷۷-۱۳۷۶ شروع شد. البته صعودهای بلند و کوهنوردی جدی را در چند سال اخیر در خراسان شمالی ادامه داده ام. کوه همیشه یک صدا بود که من را به سوی خود فرامی خواند و از یک برنامه به برنامه دیگری می برد. کوه ذهنم را مشغول می کرد و من را به تلاش برای بالا رفتن، پیشرفت و سبقت گرفتن از خودم تشویق می کرد.

۴ تفاوت صعود اول و آخرتان چطور بود؟

در طول این سه سال و نیم چهار سالی که درگیر صعودهای ۸ هزاری بودم، قطعا پختگی خاصی پیدا کردم. اولین صعودهایی که می رفتم با یک دنیا سوال، ترس و تشویش همراه بود. شور و هیجان بیشتری هم داشت. هرقد تعداد صعودها بیشتر می شد، تجربه ای که به دست می آوردم من را با دیدگاه دیگری به کوهستان می کشاند و با شرایط متفاوتی کارم را ادامه می دادم. در مجموع دنیای متفاوتی را در هر کدام تجربه کردم. صعود آخرم بسیار خاص و پرچالش بود انگیزه بالایی برای به انجام رساندن آن داشتم.

۴ از میان آن ۱۴ قله ۸ هزاری که به آنها صعود کرده اید، کدام یک برای تان حکم نقطه عطف یا زمون واقعی را داشت؟

نقطه عطف صعودهای من شاید قله نانگا پاربات بود. از ابتدای این پروژه، در پس ذهنم ترسی وجود داشت. یعنی واقعا از صعود به این قله و حتی اسم آن می ترسیدم. لقب نانگا پاربات، کوه قاتل است. وقتی به داستان هایی که در مورد آن خوانده بودم فکر می کردم، می ترسیدم. در فصلی که (زمستان) به این قله صعود کردم، تجربه خیلی خاصی را برای من به وجود آورد. با آن صعود انگار خودم را بیش از پیش باور کردم. بعد از آن، احساس می کردم هرچه پیش آید برایم قابل عبور است. موقعیت بسیار خاصی برای من بود.

۴ آیا لحظه ای را تجربه کرده اید که در آن دیگر تصور ادامه دادن مسیر دیگر برای تان ممکن نبوده؟

صعودهای ۸ هزاری به خاطر اکسیژن کم و سرمای بسیار زیاد چالش ها و خطرات بسیاری دارند. خطر ریزش بهمین، دشواری شکاف های برفی و خیلی چیزهای دیگر هم هست اما در هیچ لحظه ای به ادامه ندادن فکر نکردم. خیلی وقت ها خستگی بود، آسیب بود سرما آدم را به مرحله کلافگی و خستگی مفرط می رساند اما هیچ وقت به خودم نگفتم بی خیال شو یا راه کن. همیشه امید داشتم و به خودم می گفتم

دور بمانند. باور کنید هیچ کورسوی امیدی
برایمان نیست! فقط از مردم می‌خواهم
برای حضور خوب و شایسته ما در بازی‌های
کشورهای اسلامی دعا کنند.»

یکی از عجیب‌ترین اتفاقات هادور ورزش ایران، نامه برخی پیشکسوتان و مدال آوران دوومیدانی به رئیس جمهور است، آنها در نامه‌ای به مسعود پزشکیان خواستار برکناری رئیس فدراسیون دوومیدانی شدند! این موضوع گرچه پس از هفت ماه خنثی‌ماند، اما به وزیر ورزش اتفاق افتاد، اما هنوز به عنوان روایتی عجیب در ورزش ایران مطرح خواهد شد.

پس از آن قاجار کره جنوبی رخ داد و بعد لیگ چین ضعیف و رکوردهایی که اصلاً قابل بیان نیستند! این در شرایطی است که مسابقات مهمی پیش روی ستاره‌های دوومیدانی ایران است. ستاره‌هایی که اگرچه شرایط برای آنها مساعد نیست، اما به تنهایی برای کسب نتایجی مطلوب تلاش می‌کنند. مسابقات همبستگی کشورهای اسلامی و بازی‌های آسیایی ناگوای ... و تنها بخشی از مسابقات مهم پیش روی دوومیدانی‌کاران ایران است و اگر فدراسیون و شخص احسان حدادی زود دست به کار نشوند، مدال‌های ایران یک به یک از دست خواهد رفت و باید هشدار داد که تا بازی‌های کشورهای اسلامی کمتر از دو هفته زمان باقی است!

وضع‌ات نامیدکننده

شاید روزهای اولی که احسان حدادی به عنوان رئیس فدراسیون دوومیدانی انتخاب شد، هیچ‌کس چنین روزهایی را برای این رشته پرمهال تصور نمی‌کرد. ورزشکاران این رشته نیز با تصور این‌که شخصی از خانواده دوومیدانی روی کار آمده است، خوشحال و امیدوار بودند. شریاط اما به خوبی روزهای اول پیش رفت. عملکرد ماه‌های اخیر رئیس فدراسیون، مهر، تأییدی بر اوضاع نامطلوب این رشته است. پس از فاجعه کره جنوبی که گویا هنوز رئیس فدراسیون از عواقب آن آگاه نیست و پس از چهار ماه حاضر به عذرخواهی شده است، باید اضافه کرد که دوومیدانی ایران در لیگ اسفال نه ستاره داشت، نه کیفیت؛ کوردها ضعیف بودند و قراردادهای ناچیز و نزدیک به صفر؛ قراردادهای آگهی اسفال به قدری ناچیز بود که ستاره‌های این رشته حاضر به شرکت در لیگ نشدند و به تمرینات شخصی پرداختند.

یکی از ملی‌پوشان این رشته به «جام‌چم» گفت: «از کدام لیگ باید صحبت کنم؟ تعداد شرکت‌کننده‌ها خنده‌دار بود، مبالغ قراردادهای آن‌ها هم خنده‌دار! همه جای دنیا مسابقات لیگ قهرمانی کشور امتیاز بالایی دارد و بازیکنان آرزو می‌کنند در این رقابت‌ها شرکت کنند، اسفال اما شرایط به قدری بفرنج بود که ستاره‌های دوومیدانی هم از امتیاز این مسابقات چشم‌پوشی کردند و ترجیح دادند

کشورهای اسلامی

می خواهید!



خدا حافظی کردند. از سوی دیگر چندین نفر از ملی پوشان این رشته به سبب مسائل مالی، در لیگ امسال شرکت نکردند و در ساده ترین و مخارج خود مانده اند، پیشکسوتان این رشته نیز با نامه به وزیر و شخص رئیس جمهور خواهان برکناری احسان حدادی هستند و تا امید از بهتر شدن اوضاع. تکلیف رشته برمدال ایران چه خواهد شد؟

ایران در فاصله کمتر از دو هفته تا بازی

بایید؛ اگر مدال



فهرمانی جهان، لیگ بویا و ... کمتر کسی از
خبر این رشته مطلع می شود. فقط کافیس
بدانیم در یک هفته گذشته دو نفر از
بهترین های دوومیدانی ایران از این رشته
خداحافظی کردند و کمتر کسی هم از آن مطلع
شد! علی فتحی گنجی بازیکن تیم ملی و حسن
یادایی مربی قهرمان پرش طول آسیا به سبب
نچه «بی مهری» عنوان کردند، از تیم ملی